مجله اقتصادی
شماره‌های ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۹۹، صفحات ۸۷-۷۱

کارایی بانکداری اسلامی در مقابل کارایی بانکداری متعارف

نادیا کیوان
دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران
na.keyvan@yahoo.com

علی لعل بار
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران
a-lalbar@iau-arak.ac.ir

بعد از انقلاب اسلامی تحقق بانکداری اسلامی در سیستم بانکی کشور یکی از موضوعات مهم در حوزه بانکی بوده است. در شرایط فعلی، اقتصاد ایران در اثر تشدید تحریم¬های بین¬المللی به‌ویژه محدودیت¬های ایجادشده در حوزه¬های مالی و بانکی شرایط منحصر به فردی را تجربه می¬کند. این در حالی است که بانکداری اسلامی در کشورهای گوناگون اسلامی توانسته است در فضایی رقابتی، قابلیت¬های خود را در «واسطه¬گری مالی منطبق با شریعت» به منظور رفع نیازهای بانکی مشتریان مسلمان و حتی غیرمسلمان به‌خوبی نشان دهند. حال این پرسش مطرح است که آیا نظام بانکداری اسلامی که بر مبنای حرمت ربا نهاده شده، مزیتی نسب به نظام متعارف دارد؟ پاسخ به این سؤال با توجه به بحران¬های اخیر، از اهمیت مضاعفی برخوردار است. از این رو هدف مطالعه حاضر، بررسی کارایی بانکداری اسلامی در مقابل کارایی بانکداری متعارف است. با مرور و بررسی مطالعات انجام‌شده در داخل و خارج از کشور، نتایج حاصل حاکی از این است که بانکداری اسلامی با داشتن ویژگی‌هایی از جمله ممنوعیت انجام معاملات ربوی، تأکید بر قراردادهای واقعی، توزیع ریسک سرمایه‌گذاری، برقراری ارتباط میان عرضه پول و بخش واقعی اقتصاد و محدودیت فعالیت¬های سفته¬بازی به عنوان جایگزینی مطمئن و مناسب برای بانکداری متعارف مطرح است.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، بانکداری متعارف، کارایی نسبی، تأمین مالی اسلامی.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

۱. مقدمه

اسلامی شدن اقتصاد به فرآیند ترویج ارزش¬ها و سیاست¬های اسلامی در روند توسعه اقتصادی اطلاق می¬شود که می¬تواند با استفاده از شاخص¬های مختلف تغییرات آن در زمان را اندازه¬گیری نمود. یکی از نمودهای آن در صنعت بانکداری است (رحمان و عسکری، ۲۰۱۰، ص ۳). بانکداری اسلامی یا بدون ربا طی ۳۰ سال اخیر توسعه چشمگیری داشته است. در دهه ۷۰ میلادی (دهه ۵۰ شمسی) تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، تعداد انگشت‌شماری مؤسسات مالی در قالب صندوق‌های قرض‌الحسنه یا مؤسسات سرمایه‌گذاری در ایران، مصر و کشورهای حوزه خلیج‌فارس اقدام به فعالیت می‌نمودند. با پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲ و اجرای آن در سال ۱۳۶۳ تحول عمده‌ای در زمینه فعالیت بانک‌های اسلامی آغاز شد (محرابی،،۱۳۹۳، ص ۶۶).

وقوع بحران مالی جهانی و تزلزل بیش از حد انتظار بانکداری متعارف و ثبات نسبی بانک‌های اسلامی در قبال آن، خیلی از متفکران را به تأمل بیشتر در ماهیت بانکداری اسلامی وا داشته است. به گونه‌ای که مطالعات گسترده‌ای درباره آن شروع شده است و به اعتقاد تحلیل‌گران مالی گرچه عوامل مختلفی در این پدیده دخیل است، لیکن یکی از عوامل مهم تفاوت ماهوی این دو نظام بانکی است. نظام بانکداری متعارف (ربوی) برای همه نیازها اعم از مصرفی و سرمایه‌گذاری از قرارداد قرض با بهره استفاده می‌کند و به طور معمول نرخ بهره آن نیز در بازار پول و به صورت برون‌زا از اقتصاد واقعی شکل می‌گیرد. این در حالی است که بانکداری اسلامی متناسب با نیازهای واقعی از انواع قراردادهای مالی بهره می‌گیرد. این بانک برای تأمین مالی نیازهای مصرفی و سرمایه‌ای مقطعی و کوتاه‌مدت، راه‌هایی چون قرض‌الحسنه، مرابحه، اجاره به شرط تملیک و برای نیازهای سرمایه‌گذاری اساسی و بلندمدت، راه‌هایی چون مشارکت، مضاربه، مزارعه و مساقات را معرفی کرده و به جای نرخ بهره از نرخ سود که برگرفته از اقتصاد واقعی است استفاده می¬کند (موسویان، ۱۳۸۸، ص ۲).

از سوی دیگر، امروزه اقتصاد ایران در اثر تشدید تحریم¬های بین¬المللی به‌ویژه محدودیت¬های ایجادشده در حوزه¬های مالی و بانکی شرایط منحصر به فردی را تجربه می¬کند. تأثیر تحریم¬ها به مثابه یک جنگ همه‌جانبه اقتصادی در ایجاد آشفتگی مالی ضمن

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

اینکه نتوانسته است مسیر سیاست¬گذاری¬های اقتصادی را در حوزه انتشار پول و اعتبار کارکرد نهادهای بانکی تصحیح کند، طیفی از نهادهای عمومی و خصوصی را در بهره¬گیری از فرصت¬های سودآور بازار آشفته، در بستر اعمال تحریض نموده است (مجاهدی مؤخر، ۱۳۹۶، ص ۱۱۷).

در این راستا، مقاله حاضر سعی دارد، کارایی بانکداری اسلامی در مقابل کارایی بانکداری متعارف را مورد بررسی قرار دهد. برای نیل به این هدف، مقاله حاضر در ۵ بخش تدوین شده است. در بخش اول کارایی بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش دوم؛ ضرورت‌های ارائه‌ی خدمات مالی اسلامی کارآمد تبیین گردیده است. در بخش سوم؛ کارایی تأمین مالی اسلامی و ابزارهای مربوطه تشریح شده است. در بخش چهارم؛ مروری بر مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است و در پایان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مطالب مطروحه ارائه گردید.

۲. کارایی بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف

مطالعات مربوط به کارایی بانکی مدت‌ها مورد توجه بسیاری از ذینفعان بوده است. در سطح کلان، شواهدی وجود دارد که نشان می¬دهد رشد اقتصادی کشورها با کارایی بخش بانکی رابطه مثبت دارد (عبدی‌فر و همکاران، ۲۰۱۶، ص ۲۰۱). در سطح خرد، اغلب مطالعات، معیارهایی برای سنجش کارایی به مدیران و سیاست¬گذاران بانک به منظور بهبود عملکرد، ارائه می¬دهند. همچنین کارایی بانکی به طور گسترده‌ای در تحلیل‌های تطبیقی بانکی مورد مطالعه قرار گرفته است، به‌ویژه در مقایسه بانک‌های اسلامی و متعارف (ایزلدین، ۲۰۲۱، ص ۲). جونز و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی جامعی از مطالعات انجام‌شده در مورد کارایی بانکداری اسلامی و متعارف پرداخته‌اند. بانک¬های اسلامی با ثبت دارایی کل در حدود ۱.۷ تریلیون دلار، حضور مؤثر خود را در سیستم مالی جهانی تثبیت کرده‌اند. حتی توانستند در بحران مالی و آشفتگی سیاسی، نرخ رشد دو رقمی سالانه را حفظ کنند (ارنست و یانگ، ۲۰۱۶، ص ۱).

با وجود اینکه بانکداری اسلامی عمدتاً در کشورهای غربی وجود ندارد، بانکداری اسلامی بخش مهمی از اقتصاد چندین کشور آفریقای شمالی، میانه و شرق دور را به خود اختصاص داده است و به طور معمول بیش از ۲۰ درصد از دارایی سیستم بانکی را تشکیل می¬دهد (ایزلدین،

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

۲۰۲۱، ص ۲). بانکداری اسلامی در عربستان سعودی ۵۱.۲ درصد و در مالزی ۲۱.۳ درصد از دارایی سیستم بانکی را تشکیل می‌دهد (ارنست و یانگ، ۲۰۱۶، ص ۳).

بانکداری اسلامی اغلب در مقیاس‌های کوچک توانسته است در رقابت با همتایان بانکداری متعارف به طور محلی مقاومت کند. البته پشتوانه موفقیت بانکداری اسلامی، مدل‌های تجاری منحصر به فرد آن است. در این مدل تجاری، پرداخت سود بدهی، سوداگری و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های خاص (که عمدتاً غیراخلاقی تلقی می‌شود) منع می‌شود. علاوه بر این، خدمات مالی بانک‌های اسلامی بر اساس مفهوم تقسیم ریسک بین تأمین‌کنندگان و استفاده‌کنندگان از وجوه ساخته شده است که به نظر می‌رسد ریسک اعتباری را کاهش می‌دهد (بائل، ۲۰۱۴، ص ۱۴۳).

تعدادی از مطالعات به مقایسه کارایی بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف پرداختند و شکاف کارایی قابل توجهی را بین این دو نوع بانک برای مقاطع زمانی مشخص و در کشورهای مختلف شناسایی کرده‌اند. از جمله این مطالعات می‌توان به پژوهش انجام‌شده توسط عبدالمجید و همکاران۲ (۲۰۱۰)، محرمی (۱۳۸۷)، جونز و همکاران (۲۰۱۴)، کامارودین و همکاران۳ (۲۰۱۴) و سریری۴ (۲۰۱۰) اشاره نمود. با توجه به تفاوت‌های مشاهده‌شده در مدل‌های تجاری بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف، انتظار می‌رود، کارایی آن‌ها نیز متفاوت باشد. با این حال، پویایی کارایی این نوع بانکداری به خوبی بررسی نشده است. بررسی کارایی بانکی و پویایی مربوط به آن، به دلیل پیوندهای نزدیک با ریسک‌پذیری و سرمایه‌گذاری بانکی، بسیار ضروری است (التونباس و همکاران، ۲۰۰۱، ص ۱۹۳۲). علاوه بر این، رقابت روزافزون در صنعت خدمات مالی، کارایی را در اولویت برنامه‌های مدیران بانک‌ها، تنظیم‌کنندگان و سیاست‌گذاران قرار می‌دهد (فیردلیسی و همکاران، ۲۰۱۱، ص ۱۳۱۶).

از جمله ویژگی‌های مختلفی که در تحقیقات مختلف برای بانکداری اسلامی برشمرده‌اند عبارت است از: سودآوری بیشتر (حسن و دریدی، ۲۰۱۱، ص ۴۸)، کیفیت دارایی و جمع‌آوری سرمایه برتر (بک و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۴)، کارایی فنی بالاتر (جونز و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۲) و از لحاظ ریسک با همتایان متعارف، دارای ویژگی‌های مشترکی هستند (پاپاس و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۲۲۲). این بدان معنا نیست که بانک‌های اسلامی در معرض شوک اقتصادی نیستند، اما این ادعا

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

وجود دارد که این بانک‌ها مقام‌تر هستند (السن و زوبی، ۲۰۱۷، ص ۷۲). اختر و همکاران۵ (۲۰۱۷) استدلال کرده‌اند که اسلامی بودن بانکداری، فرصت¬های متنوعی را در اختیار سرمایه¬گذاران قرار می¬دهد و نسبت به بانکداری متعارف، فرصت‌های سرمایه‌گذاری را افزایش می¬دهد. در حالی که الحمیدی و کبیر حسن۶ (۲۰۱۷) معتقد هستند که برخی از سرمایه‌گذاری¬ها ممکن است تحت تأثیر محدودیت¬های شرعی در معاملات قرار گیرد.

۳. ضرورت‌های ارائه خدمات مالی اسلامی کارآمد

به اعتقاد بسیاری از محققان، یکی از علت¬های ایجاد رشد اقتصادی، منابع مالی است که از طرف بانک¬ها و مؤسسات مالی و اعتباری به سمت فعالیت¬های مولد و اقتصادی سرازیر می¬شود. بازارهای مالی پیشرفته نظیر بازارهای مالی کشورهای پیشرفته صنعتی، حجم قابل ملاحظه¬ای از سرمایه مالی اقتصاد مربوطه را در کنترل دارد (سامتی و همکاران، ۱۳۹۱، ص۳۳). بانک¬ها و مؤسسات اعتباری با تجهیز پس¬اندازها و هدایت آن‌ها به سمت بنگاه¬های تولیدی و تجاری، اولاً سرمایه¬های راکد و احیاناً مخرب اقتصادی را به عوامل مولد تبدیل کرده و ثانیاً، سایر عوامل تولید، به¬ویژه سرمایه انسانی را که به دلیل کمبود سرمایه بیکارند یا با بهره¬وری پایینی کار می¬کنند، به سمت اشتغال کامل با بهره¬وری بالا سوق می¬دهند (فراهانی¬فرد و همکاران، ۱۳۹۴، ص۹۶). بانکداری اسلامی از روندی رو به رشد به‌ویژه در سال¬های اخیر برخوردار بوده است. گسترش و رونق این‌گونه عملیات بانکی در میان کشورهای اسلامی از یک‌سو و تقاضای کشورهای غربی مبنی بر تطابق قوانین بانکداری آن‌ها با قوانین اسلامی از سوی دیگر، رشد چشمگیر این نوع نظام بانکی را رقم زده است. به این ترتیب اهمیت بانک¬های اسلامی اکنون به یک امر واقعی و انکارناپذیر در حوزه بانکداری تبدیل شده است (محرابی، ۱۳۹۳، ص۶۶).

امروزه نزدیک به ۱۵۰ موسسه تأمین مالی در بیش از ۴۵ کشور جهان درحال‌توسعه و گسترش و اجرایی کردن اشکال متفاوت تأمین مالی اسلامی هستند. بر اساس مطالعات، از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۴، بانک¬ها و مؤسسات مالی اسلامی سالیانه از رشدی حدود ۲۰ درصدی برخوردار بوده‌اند و ارزش کل دارایی آن‌ها از ۳۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۵، به حدود ۲۰۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است (غفاری فرد و همکاران، ۱۳۹۸، ص۱۰۵).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

مطالعات کارایی بانک¬ها نشان می¬دهد که بهره‌وری فی‌نفسه جنبه مهمی در کنار سایر ویژگی‌های بانک مانند اندازه، ترکیب دارایی¬ها، ریسک، نقدینگی، ساختار بازار و متغیرهای اقتصاد کلان است که بر عملکرد بانکی تأثیر می‌گذارد (بک و همکاران، ۲۰۱۳، ص۲۲۰)،

با توجه به سطح بالای دارایی بانکداری اسلامی، سهم آن در بازار و نقش واسطه¬گری¬های مالی فعال آن، مالیه اسلامی به اقتصاد واقعی نزدیک است؛ بنابراین مالیه اسلامی در ایران به طور فزاینده نقش مهمی در اقتصاد بازی می¬کند و در حال حاضر حساب¬ها سهم اساسی دارایی هر بانک را به خود اختصاص داده¬اند (حبیبی و عمیدی، ۱۳۹۹، ص۱۴۳).

الزامات معاملاتی که توسط دارایی‌های مشهود پشتیبانی می¬شوند، باعث شده بانک‌های اسلامی، در مقایسه با بانک‌های متعارف به اقتصاد واقعی بیشتر نزدیک شده که این موضوع به نوبه خود در دوران پسا بحران بسیار مهم بوده است. با این حال، انتخاب خدمات مالی اسلامی یا متعارف به سرمایه¬گذار بستگی دارد. اگر چه انتظار می¬رود سرمایه¬گذاران کشورهای اسلامی، خدمات مالی اسلامی را در اولویت قرار دهند. با این حال، ممکن است انتخاب بانکداری اسلامی یا متعارف برای سرمایه‌گذاران مفید باشد. در عربستان سعودی، شرکت¬ها نسبت به استفاده خدمات مالی اسلامی استقبال بیشتری نموده¬اند (المنصور و انگنا، ۲۰۱۸، ص۷۹). به طور کلی، سرمایه‌گذاران در امور مالی اسلامی ممکن است مایل باشند هزینه اضافی برای «سود سهام روانی» متحمل شوند (بلن، ۲۰۰۷، ص۶۸۵).

از سوی دیگر، کارایی به‌ویژه در زمینه کسب مزیت رقابتی، بسیار مهم است. بر اساس تئوری مبتنی بر منابع۸ سودآوری بانک¬ها با تفاوت در کارایی ارتباط دارد (چن و همکاران، ۲۰۱۵، ص۲۱). چنین تفاوت¬های کارایی ممکن است از تفاوت در فناوری، تجربه یا مدل تجاری ناشی شود. در بسیاری از مطالعات انجام‌شده، نقش محوری کارایی بانکداری در ارتباط میان سرمایه، ریسک بانکی و رقابت به خوبی اثبات شده است (دنگ و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۲۲۱). با توجه به اینکه ارتباط میان کارایی و ریسک بانک¬ها معکوس است، لذا رقابت، بانک¬ها را به سمت افزایش کارایی و تقویت عملکرد و بقا سوق می¬دهد. درواقع، کارایی نقش کاتالیزور دارد (اسچیک و سیهاک، ۲۰۱۴، ص ۲۱۶).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

٤. کارایی تأمین مالی اسلامی

تأمین مالی اسلامی با هدف ارائه الگویی جدید برای جانشینی نظام¬های مالی سنتی و مرسوم و فراهم کردن امکانات و فرصت¬های مالی، تجاری و سرمایه¬گذاری منطبق با اصول شریعت در ادبیات مالی جهان ظهور نموده است (غفاری فرد و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۰۵). در بانکداری متعارف، در حالتی که تأمین مالی با استفاده از وام انجام شود، نگرش کارفرما به پروژه نیز به طور منفی تحت تأثیر قرار می¬گیرد. چرا که تعهدهای قراردادی کارفرما به بازپرداخت اصل سرمایه به اضافه سودی که باید به آن اضافه شود، وی را از انجام آزمایش و نوآوری در جهت به دست آوردن سود بیشتر منع می¬کند. در مقابل، نظام تأمین مالی اسلامی که در آن تأمین مالی در برخی مواقع بر مبنای مشارکت در سود به سمت کارفرما جریان می¬یابد تا حد فراوانی ویژگی¬های مدل مطلوب مالک- تأمین‌کننده مالی را حفظ می¬کند. از این رو، کارایی نظام تأمین مالی اسلامی بیشتر از کارایی نظام تأمین مالی متعارف بهره¬ای است (عیوض‌لو و میسمی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۶).

بعد از اجرای موفق ایده بانکداری بدون ربا در بسیاری از کشورهای اسلامی، اندیشمندان مسلمان در زمینه طراحی ابزارهای مالی اسلامی اندیشه کردند. به این منظور مطالعات گسترده‌ای بر روی عقود شرعی و قابلیت آن‌ها برای ابزارسازی صورت گرفت تا با استفاده از آن‌ها ابزارهای مالی اسلامی به عنوان جایگزین ابزارهایی چون اوراق قرضه و اوراق سهام ممتاز که به طور معمول مبتنی بر قرض با بهره و ربا هستند، طراحی گردد. متفکران مسلمان توانستند با رعایت ضوابط شرعی و نیازهای واقعی جوامع اسلامی، انواعی از ابزارهای مالی ارائه کنند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۲۱). ارائه خدمات مالی اسلامی مبتنی بر مضاربه، یعنی یک سرمایه¬گذار و یک کارآفرین وارد یک کار مشترک می¬شوند و تقسیم سود می¬کنند. مرابحه یک فروش هزینه به همراه سود۹ است (ایزلدین، ۲۰۲۱، ص ۶). بانک¬های اسلامی اغلب درگیر توسعه¬ و رفاه اقتصادی هستند. از این رو، ایجاد نقدینگی بالاتر آن‌ها نسبت به بانکداری متعارف، قابل توضیح است (برگر و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۱). یکی از روش¬های مهم فرآیند تأمین مالی، تبدیل کردن دارایی¬ها به اوراق بهادار است، که یکی از ابزارهای جدید در عرصه تأمین منابع مالی همراه با کاهش ریسک نهادهای مالی محسوب می¬شود. با استفاده از این ابزار، نهادهای مالی و غیرمالی می-توانند پرتفویی از

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

دارایی¬های با درآمد ثابت را فروخته و درنتیجه به منابع مالی ارزان¬تر و با ریسک کمتر در مقایسه با استقراض مستقیم دست یابند.

یکی از رایج¬ترین انواع اوراق بهادار در بانکداری متعارف بهره‌گیری از اوراق قرضه است؛ اما کشورهایی که بخش عمده‌ای از آنان را مسلمانان تشکیل می¬دهند، نمی¬توانند برای پاسخ به نیازهای مالی خود از بازارهای مالی که مبتنی بر نرخ بهره هستند استفاده کنند، زیرا در اسلام، مطالبه و پرداخت بهره، حرام است. لذا اوراق بهادار اسلامی (صکوک)، به عنوان جانشینی برای اوراق قرضه معرفی شده است (صالحی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۱۹).

۵. مروری بر مطالعات انجام‌شده در داخل و خارج از کشور

رشد قابل ملاحظه صنعت بانکداری اسلامی در سال¬های اخیر موجب شده است تا مطالعات زیادی به منظور مقایسه عملکرد نسبی بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف صورت پذیرد (کیانی و همکاران، ۱۳۹۲، ص۱۰۳).

ایزل¬دین و همکاران[۱۰] (۲۰۲۱) به بررسی چگونگی پویایی کارایی بانک‌های اسلامی و متعارف و چگونگی همگرایی آن‌ها در کشورهای مختلف پرداخته‌اند. آن‌ها نشان دادند که بانک‌های اسلامی و متعارف هم از نظر کارایی پایدار و هم سرعت همگرایی مشابه هستند. آن‌ها همچنین نشان دادند که همسویی بین این دو نوع بانک با عمق بازار مالی کشور، شفافیت، ثبات اقتصادی و تمرکز بانکی رابطه مثبت دارد.

عظمت و همکاران[۱۱] (۲۰۲۰) بررسی کرده‌اند که چگونه بدهکاران بانک‌های اسلامی تحت تأثیر ریسک در اقتصاد کلان قرار می‌گیرند. آن‌ها دریافتند که ریسک اقتصاد کلان تأثیر قابل توجه و مثبتی بر سپرده‌های بانکی متعارف دارد، در حالی که تأثیر آن بر سپرده‌های بانک‌های اسلامی منفی است یا به طور قابل توجهی کمتر از نمونه‌های معمول آن‌ها است.

بیتار و همکاران[۱۲] (۲۰۱۹) کارایی در بانکداری اسلامی را در مقابل بانکداری متعارف مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های آن‌ها این دیدگاه را تأیید می‌کند که محدودیت‌های اعمال‌شده توسط قانون شریعت ممکن است شکاف کارایی بین دو نوع بانک را با هزینه بانک‌های اسلامی افزایش دهد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

کبیر حسن و همکاران۱۳ (۲۰۱۹) نشان دادند که بانک¬های اسلامی نسبت به بانک¬های متعارف در مدیریت ریسک بهتر عمل می¬کنند.

سلمان و نوآز۱۴ (۲۰۱۸) به بررسی مقایسه¬ای میان سیستم مالی اسلامی و بانکداری متعارف پرداخته‌اند. نتایج مطالعه آن‌ها با بسیاری از یافته‌های قبلی مخالف است؛ زیرا تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که بین هر دو نوع بانکداری برای متغیرهای مورد مطالعه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین نشان دادند که بازده دارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف بر اعتماد مشتری تمرکز دارد.

بیله و همکاران۱۵ (۲۰۱۲) نیز نشان دادند که در بانک¬های اسلامی کشور پاکستان، پیش‌فرض‌های کمتری برای وام¬های اسلامی نسبت به وام¬های متعارف وجود دارد.

سریری (۲۰۱۲) در مطالعه¬ای به بررسی بانک¬های موجود در منطقه شورای همکاری خلیج‌فارس پرداخت و نشان داد که کارایی نسبی بانکداری اسلامی در مقابل بانکداری متعارف بیشتر است.

آنگنا و یانکو۱۶ (۲۰۱۱) دریافتند که بانک¬های اسلامی در ترکیه به طور عمده با بانک¬های چندگانه، جوان، متمرکز بر صنعت و شرکت¬های شفاف در ارتباط هستند.

عبدالمجید و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند که کارایی نسبی بانک¬های اسلامی و متعارف به طور چشمگیری در سراسر کشورها متفاوت است.

صالحی و همکاران (۱۳۹۹) چگونگی و شرایط اوراق بهادارسازی در بانکداری اسلامی را مطرح نمودند و همچنین نشان داده‌اند که اگر استفاده از این ابزار مالی در چارچوب بانکداری اسلامی صورت پذیرد، از نظر شرعی و فقهی بلامانع است.

علیرضایی و همکاران (۱۳۹۷) به مطالعه تطبیقی بانکداری اسلامی و متعارف بحرین و بانکداری بدون ربای ایران پرداخته‌اند. آن‌ها دریافتند که بانک¬های متعارف بحرین توانسته¬اند برخلاف بانک¬های بدون ربای ایران و اسلامی بحرین با افزایش تسهیلات اعطایی میزان سودآوری خود را افزایش دهند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

در مطالعه گرمسیری و خسروپرور (۱۳۹۴) شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه بانک¬های اسلامی کمتر مقرون‌به‌صرفه هستند، با این حال این بانک¬ها دارای نسبت واسطه¬گری و کیفیت بالاتری بوده و بهتر سرمایه¬گذاری کرده¬اند.

کیایی و همکاران (۱۳۹۲) مطالعه¬ای با هدف مقایسه عملکرد بهینه در بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف به انجام رسانیده¬اند. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، عملکرد بهینه بانکداری اسلامی در اعطای تسهیلات و جذب سپرده در سطوح بالاتری نسبت به عملکرد بهینه بانکداری متعارف قرار می¬گیرد.

فراهانی فرد و همکاران (۱۳۹۲) به دنبال اثبات این فرضیه است که کارایی نظام بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری سنتی در برابر بحران مالی (۲۰۰۹-۲۰۰۷) بیشتر است، اقدام به بررسی کارایی ۱۰۰ بانک در سال¬های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ که از این تعداد ۵۰ بانک اسلامی و ۵۰ بانک غیراسلامی (خاورمیانه) بوده است، پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که بانک¬های اسلامی در مقایسه با بانک¬های غیراسلامی از کارایی بیشتری برخوردارند.

موسویان (۱۳۸۸) اذعان داشت، تحلیل‌های نظری و یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که مدل بانکداری اسلامی، به‌ویژه زمانی که سهم درخور توجهی از معاملات آن در بخش سرمایه‌گذاری‌های اساسی و بلندمدت، بر اساس قراردادهای مشارکتی انجام گیرد در قبال بحران‌های مالی از ثبات بیشتر و نسبت به متغیرهای کلان اقتصادی از کارایی بالاتری برخوردار است.

عیوض‌لو و حسین میسمی (۱۳۸۷) به صورت نظری بر روی دو مورد از منافع اقتصادی که از اطاعت از قانون الهی درباره تحریم ربا (بهره) مورد انتظار است، یعنی ثبات و کارایی، مطالعه‌ای انجام دادند. یافته‌ها نشان داده است که تأمین مالی اسلامی نسبت به تأمین مالی متعارف باثبات‌تر و کاراتر است.

نادری کزج و صادقی (۱۳۸۲) در مطالعه¬ای سعی داشتند به این سؤال پاسخ دهند که آیا بانک¬های اسلامی که تحت نظام بانکداری اسلامی فعالیت می¬کنند، کاراتر هستند یا بانک¬هایی که در کنار بانک¬های ربوی به فعالیت مشغول‌اند؟ نتایج نشان می‌دهند، کارایی بانک¬های غیرربوی بحرین و قطر و به طور کلی کارایی بانک¬های غیر ربوی که در شرایط

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

رقابت در کنار بانک¬های ربوی فعالیت می¬کنند، از کارایی بانک¬هایی که تحت نظام بانکداری غیر ربوی (ایران، سودان و پاکستان) فعالیت می¬کنند، بیشتر است.

٦. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

عملکرد بانکداری بدون ربا در کشورهای مختلف، نتایج متفاوتی را نشان داده است. این تفاوت¬ها به کارایی بانک¬ها در زمینه تجهیز و تخصیص بهینه منابع، عدم محدودیت¬های مختلف در قوانین و مقررات یا اندک بودن کارمزد بین بانک¬ها و مردم و نظیر این‌ها مربوط می¬شود. ادبیات در حال رشد که کارایی بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف را با یکدیگر مقایسه می¬کند، شواهد متفاوتی در مورد کارایی این نوع بانکداری ارائه می¬دهد:

۱. برخی از مطالعات بیان کرده¬اند که تفاوت معنی¬داری بین دو نوع بانکداری از لحاظ کارایی وجود ندارد.
۲. برخی دیگر از مطالعات نشان داده¬اند که بانک‌های اسلامی به طور قابل توجهی از بانک‌های متعارف کارآمدتر هستند.
۳. همچنین شواهدی در سال¬های اخیر وجود دارد که نشان می¬دهد بانک¬های متعارف به طور قابل توجهی از بانک‌های اسلامی کارآمدتر هستند. مطالعاتی همچون عبدالمجید و همکاران (۲۰۱۱)، عبدالمجید و همکاران (۲۰۱۰)، در این گروه قرار می-گیرد.

این یافته‌های متناقض تا حدی به محدودیت¬های انتخاب نمونه نسبت داده می‌شود. یک راه‌حل این است که کشورهای متمایز که دارای شرایط اقتصادی مختلف هستند و یا اینکه مقررات بانکی و حسابداری خاصی دارند، در نمونه لحاظ نشود. با این حال، در شرایطی که سایر پارامترها ثابت باشد، هرکدام از بانکداری اسلامی و متعارف که نرخ¬های بهره کمتری در مقابل ارائه تسهیلات به مشتریان طلب کند، از عملکرد بهینه بالاتری برخوردار است که این مطلب رقابت در دو نظام بانکداری را نشان می¬دهد. یکی از دلایل کارایی بانکداری اسلامی ممنوعیت ربا است. ممنوعیت ربا سبب می¬شود به جای گردش پول در بازارهای مالی، منابع مالی به سمت فعالیت‌های بخش واقعی اقتصاد هدایت شده و مانع سقوط قیمت دارایی و بروز بحران مالی می¬شود.

به عنوان نتیجه‌گیری کلی، می¬توان گفت یک محیط اقتصادی اسلامی که بجای استفاده از بهره، به میزان مناسب از عقدهای مشارکتی و مبادله¬ای استفاده می¬کند، به علل گوناگون

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

پیشرفت و توسعه اقتصادی بیشتری را در پی خواهد داشت و با بحران¬های کمتر و کوتاه¬تری روبه‌رو خواهد شد و در مقابله با بحران‌های مالی جهانی از مقاومت و انعطاف¬پذیری بیشتری برخوردار است. از طرف دیگر اگر فعالیت¬های اقتصادی بانک¬های بدون ربا بر پایه عقدهای مبادله¬ای باشد، به نظر می¬رسد می¬توان اثر عوامل روی نرخ تنزیل، نرخ مرابحه، انتظارهای سود و سرانجام انتظارهای عرضه و تقاضای کالاها را مطرح کرد اما چون این نرخ‌ها برخاسته از معامله¬های واقعی هستند، عامل بی¬ثباتی نمی¬شوند؛ بنابراین شوک¬ها در اقتصاد هم محدودتر است و هم کمتر پیش می¬آید.

از طرف دیگر چون سهم کارفرمایان در تحمل ضرر احتمالی کمتر می¬شود، تقاضای برای سرمایه¬گذاری افزایش می¬یابد؛ درنتیجه در جستجوی اشخاص صاحب تجربه و مدیر برمی‌آیند تا سود خود را افزایش دهند و اقتصاد با آهنگ سریع‌تری به سمت اشتغال کامل گام برمی¬دارد. نهایتاً با بالا رفتن اشتغال و تولید کل، عرضه کل نیز افزایش یافته؛ درنتیجه سطح عمومی قیمت‌ها کاهش می¬یابد.

پی‌نوشت‌ها

1. Johnes et al.
2. Abdul-Majid et al.
3. Kamarudin et al.
4. Srairi
5. Akhtar et al.
6. Alhomaidi and Kabir Hassan
7. psychic dividend
8. resource-based theory
9. cost-plus-profit sale
10. Izzeldin et al
11. Azmat et al
12. Bitar et al
13. Kabir Hassan
14. Salman and Nawaz
15. Baele et al
16. Ongena and Yuncu

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

منابع

- حبیبی، فاتح، عمیدی، سحر (۱۳۹۹). مالیه اسلامی و رشد اقتصادی: تجربه ایران، *فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی*، شماره ۳۰، ۱۵۹-۱۴۱.
- سامتی، مرتضی، رنجبر، همایون، همت‌زاده، منیره (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی تحت اطلاعات نامتقارن (مورد مطالعه کشورهای منتخب توسعه‌یافته و درحال‌توسعه)، *فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال ۳، شماره ۳.
- صالحی، زهره، واعظ برزانی، محمد، طغیانی دولت‌آبادی، مهدی (۱۳۹۹). اوراق بهادارسازی در بانکداری اسلامی، *فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی*، شماره ۳۱، ۱۱۷-۱۴۶.
- فراهانی فرد، سعید، فشاری، مجید، خانزاده، یاور (۱۳۹۴). تأثیر مؤسسات مالی بانکی و غیربانکی اسلامی بر رشد اقتصادی ایران (رهیافت گشتاور تعمیم‌یافته GMM)، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، شماره۳.
- فراهانی فرد، سعید، نظرپور، محمدنقی، بایی، سارا (۱۳۹۲). مقایسه تطبیقی کارایی بانک‌های اسلامی و غیراسلامی، *فصلنامه علمی پژوهش اقتصاد اسلامی*، سال ۱۲، شماره ۴۶، ۱۲۲-۹۳.
- کیایی، حسن، ابریشمی، حمید، سبحانی، حسن (۱۳۹۲). مقایسه عملکرد بهینه در بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف: استفاده از فرآیند تصادفی پرش – انتشار، *دو فصلنامه علمی – پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال ۶، شماره ۱، پیاپی ۱۱، ۱۳۱-۱۰۷.
- عیوض‌لو، حسین، میسمی، حسین (۱۳۸۷). بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، سال ۷، شماره ۳۱، ۱۶۱-۱۸۹.
- علیرضایی، مجید، محقق نیا، محمدجواد، یوسفی، صمد (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی بانکداری اسلامی و متعارف بحرین و بانکداری بدون ربای ایران (با رویکرد سودآوری)، *فصلنامه علمی – ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی*، شماره ۲۳، ۲۹-۷.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

- غفاری فرد، محمد، رحمتی، عادله، یوسفزی، داوود (۱۳۹۸). نقش تأمین مالی اسلامی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب اسلامی با استفاده از داده‌های تابلویی (مورد مطالعه صکوک)، *فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی*، شماره ۲۹، ۱۲۰-۱۰۳.
- موسویان، سید عباس،۱۳۸۸، بانکداری اسلامی، ثبات بیشتر و کارایی بهتر، بیستمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، https://civilica.com/doc/209546
- محرابی، لیلا (۱۳۹۳). واکاوی روش‌های تجهیز و تخصیص منابع در نظام بانکداری اسلامی کشورهای مختلف، *مجله اقتصادی*، شماره ۳ و۴، ۹۴-۶۵.
- مجاهدی مؤخر، محمدمهدی (۱۳۹۶). نقد و بررسی دلالت¬ها، چالش¬ها و راهکارهای بانکداری متعارف در اقتصاد ایران، *فصلنامه علمی – ترویجی اقتصادی و بانکداری اسلامی*، شماره ۲۱، ۱۲۴-۱۱۵.
- نادری کزج، محمود، صادقی، حسین (۱۳۸۲). بررسی کارایی بانکداری بدون ربا در کشورهای مختلف و مقایسه بانک-های غیرربوی با بانک‌های ربوی در جهان با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، شماره ۹ و ۱۰، ۵۸-۲۶.

- Abedifar, P., Hasan, I., Tarazi, A.(2016). Finance-growth nexus and dual-banking systems: Relative importance of Islamic banks. *J. Econ. Behav. Organ*. 132, 198–215. https://doi.org/10.1016/j.jebo.2016.03.005.
- Abdul-Majid, M., Saal, D.S., Battisti, G.(2011a). Efficiency and total factor productivity change of Malaysian commercial banks. *Serv. Ind. J*. 31, 2117–2143.https://doi.org/10.1080/02642069.2010.503882.
- Abdul-Majid, M., Saal, D.S., Battisti, G.(2011b). The impact of Islamic banking on the cost efficiency and productivity change of Malaysian commercial banks.*Appl. Econ*. 43, 2033–2054. https://doi.org/10.1080/00036-840902984381.
- Abdul-Majid, M., Saal, D.S., Battisti, G.(2010). Efficiency in Islamic and conventional banking: an international comparison. *J. Product. Anal*. 34, 25–43.https://doi.org/10.1007/s11123-009-0165-3.
- Akhtar, S., Akhtar, F., Jahromi, M., John, K.(2017). Intensity of volatility linkages in Islamic and conventional markets. In: KFUPM *Islamic Banking and Finance Research Conference*.
- Alhomaidi, A., Kabir Hassan, M.(2017). The effect of implicit market barriers on stock trading and liquidity. In: KFUPM *Islamic Banking and Finance Research Conference*.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

- Al-Jarrah, I., Molyneux, P.(2006). Cost efficiency, scale elasticity and scale economies in arab banking. *Banks Bank Syst*. 1, 60–89.
- Almansour, A., Ongena, S.(2018). Bank loan announcements and religious investors: empirical evidence from Saudi Arabia. *J. Empir. Financ*. 47, 78–89.
- Al-Muharrami, S.(2008). An examination of technical, pure technical and scale efficiencies in GCC banking. Am. *J. Financ. Account*. 1, 152–166.
- Altunbas, Y., Gardener, E.P.M., Molyneux, P., Moore, B.(2001). Efficiency in European banking. *Eur. Econ. Rev*. 45, 1931–1955.
- Azmat, S., Sohel Azad, A.S.M., Ghaffar, H., Hayat, A., and Chazi, A. (2020). Conventional vs Islamic Banking and Macroeconomic Risk: Impact on Asset Price Bubbles, *Pacific-Basin Finance Journal*, 2-55, https://doi.org/10.1016/j.pacfin.2020.101351
- Baele, L., Farooq, M., Ongena, S.(2014). Of religion and redemption: Evidence from default on Islamic loans. *J. Bank. Financ*. 44, 141–159. https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2014.03.005.
- Beck, T., De Jonghe, O., Schepens, G.(2013). Bank competition and stability: cross-country heterogeneity. *J. Financ. Intermed*. 22, 218–244.
- Beck, T., Demirgüç-Kunt, A., Merrouche, O.(2013). Islamic vs. conventional banking: business model, efficiency and stability. *J. Bank. Financ*. 37, 433–447. https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2012.09.016.
- Berger, A.N., Boubakri, N., Guedhami, O., Li, X.(2017). Liquidity creation and financial stability implications of Islamic banking: Evidence from a multinational study. KFUPM Islamic Banking and Finance Research Conference.
- Bitar, M. Pukthuanthong, K. and Walker, T. (2019). Efficiency in Islamic vs. conventional banking: The role of capital and liquidity, *Global Finance Journal*,, 2-63, https://doi.org/10.1016/j.gfj.2019.100487.
- Bollen, N.(2007). Mutual fund attributes and investor behavior. *J. Financ. Quant. Anal*. 42, 683–708.
- Chen, C., Delmas, M.A., Lieberman, M.B.(2015). Production frontier methodologies and efficiency as a performance measure in strategic management research. *Strateg. Manag. J*. 36, 19–36.
- Dong, Y., Girardone, C., Kuo, J.-M.(2017). Governance, efficiency and risk taking in Chinese banking. Br. *Account. Rev*. 49, 211–229. https://doi.org/10.1016/j.bar.2016.08.001.
- El-Gamal, M.A., Inanoglu, H.(2005). Inefficiency and heterogeneity in Turkish banking: 1990–2000. *J. Appl. Econom*. 20, 641–664.
- Ernst & Young. (2016). *World Islamic Banking Competitiveness Report: New realities*, new opportunities.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

- Fiordelisi, F., Marques-Ibanez, D., Molyneux, P.(2011). Efficiency and risk in European banking. *J. Bank. Financ*. 35, 1315–1326. https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2010.10.005.
- Grigorian, D.A., Manole, V. (2006). Determinants of commercial bank performance in transition: an application of data envelopment analysis. *Comp. Econ. Stud*. 48, 497–522.
- Hasan, M., Dridi, J.(2011). The effects of the global crisis on Islamic and conventional banks: a comparative study. *J. Int. Commer. Econ. Policy* 2, 163–200.
- Hassan, T., Mohamad, S., Khaled, I., Bader, M.(2009). Efficiency of conventional versus Islamic banks: evidence from the Middle East. Int. *J. Islam. Middle East. Financ. Manag*. 2, 46–65.
- Izzeldin, M., Johnes, J., Ongena, S., Pappas, V. and Tsionas, M. (2021). Efficiency convergence in Islamic and conventional banks, *Journal of International Financial Markets, Institutions & Money*, 70, 101279, pp 1-24.
- Johnes, J., Izzeldin, M., Pappas, V.(2014). A comparison of performance of Islamic and conventional banks 2004–2009. *J. Econ. Behav. Organ*. 103, S93–S107. https://doi.org/10.1016/j.jebo.2013.07.016.
- Kamarudin, F., Nordin, B.A.A., Muhammad, J., Hamid, M.A.A.(2014). Cost, revenue and profit efficiency of Islamic and conventional banking sector: empirical evidence from gulf cooperative council countries. *Glob. Bus. Rev*. 15, 1–24. https://doi.org/10.1177/0972150913515579.
- Kabir Hassan, M., Ashraf Khan, Andrea Paltrinieri (2019). Liquidity risk, credit risk and stability in Islamic and conventional banks, Research in *International Business and Finance*, Vol. 48, PP. 17-31.
- Mobarek, A., Kalonov, A.(2014). Comparative performance analysis between conventional and Islamic banks: empirical evidence from OIC countries. *Appl.Econ*. 46, 253–270.
- Mohamad, S., Hassan, T., Bader, M.K.I.(2008). Efficiency of conventional versus Islamic Banks: international evidence using the Stochastic Frontier Approach (SFA). *J. Islam. Econ. Bank. Financ*. 4, 107–130.
- Ongena, S., Sendeniz-Yuncu, I.(2011). Which Firms Engage Small, Foreign or State Banks? And Who Goes Islamic? Evidence from Turkey. *Journal of Banking and Finance* 35, 3213–3224.
- Olson, D., Zoubi, T.(2017). Convergence in bank performance for commercial and Islamic banks during and after the Global Financial Crisis. *Q. Rev. Econ. Financ*. 65, 71–87. https://doi.org/10.1016/j.qref.2016.06.013.
- Olson, D., Zoubi, T.A.(2008). Using accounting ratios to distinguish between Islamic and conventional banks in the GCC region. *Int. J. Account*. 43, 45–65. https://doi.org/10.1016/j.intacc.2008.01.003.
- Pappas, V., Ongena, S., Izzeldin, M., Fuertes, A.-M.(2017). A survival analysis of Islamic and conventional banks. *J. Financ. Serv. Res*. 51, 221–256.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]

- Rehman, S. S., & Askari, H. (2010). An Economic IslamicityIndex (EI2). *Global Economy Journal*, 10(3), pp: 1-37.
- Safiullah, M., Shamsuddin, A.(2020). Technical efficiency of Islamic and conventional banks with undesirable output: Evidence from a stochastic metafrontier directional distance function. *Glob. Financ. J.*, 100547
- Srairi, S.A.(2010). Cost and profit efficiency of conventional and Islamic banks in GCC countries. *J. Product. Anal*. 34, 45–62.
- Schaeck, K., Cihák, M.(2014). Competition, efficiency, and stability in banking. *Financ. Manag*. 43, 215–241. https://doi.org/10.1111/fima.12010.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-09]